



دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده حقوق

رساله دکتری در رشته حقوق کیفری و جرم شناسی

عنوان:

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و سازمان ملل متحد در  
مقابله با جرایم اقتصادی

استاد راهنما:

آقای دکتر باقر شاملو

اساتید مشاور:

آقای دکتر حسین میرمحمد صادقی

آقای دکتر رجب گلدوست جویباری

۱۳۸۹/۷/۲۴

دانشجو:

مجتبی نورزاد

تأبستان ۱۳۸۸

وزارت امور خارجه  
تهران

۱۴۲۸۳۷

تقدیم به

همسر عزیزم به پاس صبوری هایش و به یاد حمایت هایش.

و

پسر دردانه ام مانی و دختر دوست داشتنی ام هانی به نام احساس گرمشان و نگاه  
منتظرشان.

## تقدیر و تشکر

فرجام این پژوهش مدیون الطاف و دلسوزی های اساتید، دوستان، همکاران و خانواده ام بوده است که بی توجه و راهنمایی آنها به راستی که این رساله به بار نمی نشست. لازم می دانم که از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر شاملو به جهت پذیرش راهنمایی این رساله و محبت ایشان در تکمیل و پایان یافتن رساله سپاسگذاری کنم. همین طور بایسته است تا از آقایان دکتر حسین میرمحمد صادقی و دکتر رجب گلدوست به دلیل زحمت مشاورت و نیز آقایان دکتر مومنی، دکتر دادگر، دکتر زرکلام و خانم دکتر رستمی به جهت پذیرش داوری پایان نامه تشکر کنم.

از همکاران محترم قضایی نیز به جهت همکاری در مشاورت و نیز ارایه پرونده های مطروحه کمال تشکر را دارم. همین طور باید از دوستان گرامی که در مطالعه و نگارش پایان نامه به اینجانب کمک کرده اند قدردانی کنم و در این میان به ویژه لازم است تا از دوست گرامی ام آقای دکتر حسن عالی پور به جهت ارایه برخی منابع انگلیسی و منابع مرتبط با امنیت ملی، مشاوره در امر پلان بندی پایان نامه و تهیه پاور پوینت جلسه دفاع سپاسگذار باشم و در نهایت لازم می دانم از خانواده ام به جهت همه دشواری ها و زحمت هایی که در راه این رساله چشیدند و دیدند هم پوزش بجویم و هم صمیمانه قدردانی کنم. روشن است که انجام هر پژوهشی بی توجه به پیشینه آموزشی، قضایی و پژوهشی شدنی نیست و این ادعا نشان می دهد که نویسنده خالصانه از همه کسانی که به واسطه آموزش و پژوهش، جستاری دریافته و مطلبی اندوخته تشکر می کند هر چند نامشان در این میان ذکر نشده باشد.

نام خانوادگی: نورزاد نام: مجتبی

دانشکده: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی رشته تحصیلی: حقوق کیفری و جرم شناسی

استاد راهنما: آقای دکتر باقر شاملو

عنوان پایان نامه: مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و سازمان ملل متحد در مقابله با جرایم اقتصادی

تاریخ فراغت: ۱۳۸۸/۶/۲۵

## چکیده

جرم اقتصادی رفتار غیرقانونی‌ای است که در سطح کلان و با انگیزه های مالی بر ضد امنیت اقتصادی ارتکاب می یابد. با این حال این پدیده نه به اعتبار موضوع جرم معرفی شده و نه رفتار جرم، بلکه به مجموعه ای از رفتارهای غیر قانونی اشاره دارد که در حوزه اقتصاد رخ می دهند و از این رو این دسته از جرایم هم مبهم و سیاست زده هستند و هم با طبقه بندی های دیگر از جرایم، هم پوشانی دارد. با این حال هم در سیر قانونگذاری کیفری ایران و هم در رویه قضایی، جرم اقتصادی یک پدیده مجرمانه ای است که واقعیت یافته است، هرچند ماهیت و مصداق آن به درستی روشن نگردیده است. همین وضعیت درباره سیاست جنایی سازمان ملل متحد نیز حاکم است. وجود ۷ سند منطقه ای و جهانی درباره جرایم اقتصادی و فساد از سال ۱۹۹۲ نشان می دهد که رویکرد بین المللی نیز در این زمینه هنوز ناپخته است و اساساً نتوانسته نسبت به مفهوم و مصداق جرم اقتصادی موضع روشن اتخاذ کند. جدا از این، باید گفت که اسناد بین المللی و منطقه ای عمدتاً راجع به فساد هستند و درباره عنوان جرم اقتصادی، سندی جدا از فساد نمی توان یافت. این نکته نشان می دهد که رویکرد سازمان ملل متحد در معرفی مصادیق است تا مفاهیم و در معرفی مصادیق بیشتر به دنبال پیشگیری است تا تبیین ارکان تشکیل دهنده آنان. از این رو دو سند مهم کنوانسیون ضد فساد و کنوانسیون ضد جرایم سازمان یافته فراملی، رویکرد روشنی از مبنا و مفهوم و ضرورت طرح جرم اقتصادی به دست نمی دهند.

با آنکه شناسایی جرایم اقتصادی در سیاست جنایی ایران به فرجام روشنی نمی رسد ولی با ویژگی کلان بودن، انگیزه های مالی و موضوع جرم تا حدی می توان میان این دسته از جرایم و جرایم دیگر فرق گذاشت. با این حال سیاست جنایی ایران در مقابله با جرایم اقتصادی هرچند بسیار پراکنده و نامشخص است ولی تا حدی سکوت مربوط به تعریف مفهومی و مصادیق جرم اقتصادی را شکسته است. با بررسی سیاست جنایی ایران، می توان از راهکارهای متعدد ماهوی، پیشگیرانه و شکلی پرده برداشت که نشان از یک سیاست جنایی افتراقی در مقابله با جرایم اقتصادی دارد. با این حال شناخت و مقابله با جرایم اقتصادی جزء با پیش بینی جرم اقتصادی در قانون از یک سو و پیش بینی ضمانت اجراهای لازم برای جرایم موضوع کنوانسیون بین المللی ضد فساد که ایران به آن پیوسته امکانپذیر نمی باشد.

واژه کلیدی: جرم، اقتصاد، جرم اقتصادی، فساد، سیاست جنایی، اسناد بین المللی، سیاستگذاری، پیشگیری، رسیدگی شکلی

## فهرست مطالب

۱۰	..... مقدمه
۱۸	..... ۱- شناخت مساله
۲۱	..... ۲- سوالات و فرضیات
۲۱	..... ۳- روش تحقیق
۲۲	..... ۴- ضرورت تحقیق
۲۳	..... ۵- اهداف تحقیق
۲۴	..... ۶- سابقه تحقیق
۲۵	..... ۷- دشواری های تحقیق
۲۶	..... ۸- بخش بندی و سامان دهی رساله
۲۹	<b>بخش یکم: شناسایی جرایم اقتصادی</b>
۳۱	..... فصل یکم: معنا شناسی جرایم اقتصادی
۳۲	..... مبحث یکم: واژه شناسی
۳۳	..... گفتار یکم: اقتصاد
۳۸	..... گفتار دوم: جرم
۳۹	..... بند یکم: ماهیت حقوقی
۴۴	..... بند دوم: ماهیت سیاسی
۴۵	..... گفتار سوم: اقتصاد جرم
۴۶	..... بند یکم: فقر و جرم
۴۷	..... بند دوم: حسابگری و جرم
۵۰	..... گفتار چهارم: جرم اقتصادی
۵۹	..... بند یکم: واقعیت اقتصادی
۶۹	..... بند دوم: واقعیت حقوقی
۷۳	..... مبحث دوم: وصف شناسی
۷۳	..... گفتار یکم: ویژگی های جرم اقتصادی
۷۴	..... بند یکم: چند گونگی موضوع جرم
۷۵	..... بند دوم: قراردادی بودن
۷۶	..... بند سوم: کلان بودن
۷۷	..... بند چهارم: مقید بودن
۷۸	..... بند پنجم: عدم شمول مرور زمان
۷۹	..... گفتار دوم: ویژگی های مجرم اقتصادی
۸۱	..... بند یکم: هنجارمندی ظاهری
۸۲	..... بند دوم: جذب نزدیکان و آشنایان
۸۴	..... بند سوم: خوگیری به ارتکاب جرم
۸۵	..... بند چهارم: غیر خشن بودن

۸۶	..... بند پنجم: عدم باور به قانون
۸۷	..... فصل دوم: تبار شناسی جرایم اقتصادی
۸۸	..... مبحث یکم: پیشینه جرایم اقتصادی
۸۸	..... گفتار یکم: جهان
۹۱	..... گفتار دوم: ایران
۹۴	..... بند یکم: قوانین مصوب پیش از انقلاب
۹۵	..... بند دوم: قوانین مصوب پس از انقلاب
۹۷	..... مبحث دوم: قرین شناسی جرایم اقتصادی
۹۸	..... گفتار یکم: جرایم مالی
۱۰۱	..... گفتار دوم: فساد
۱۰۸	..... گفتار سوم: جرایم بازرگانی
۱۱۲	..... گفتار چهارم: جرایم سازمان یافته
۱۱۶	..... گفتار پنجم: جرایم یقه سفید
۱۱۹	..... گفتار ششم - جرایم رایانه ای مالی
۱۳۰	..... فصل سوم: گونه شناسی جرایم اقتصادی
۱۳۳	..... مبحث یکم: جرایم مرتبط با نظام پولی یا ارزی
۱۳۴	..... گفتار یکم: اختلال در نظام پولی و ارزی
۱۳۵	..... گفتار دوم: جعل اسکناس و رفتارهای مجرمانه مرتبط
۱۳۸	..... گفتار سوم: انتقال غیر قانونی ارز
۱۴۲	..... گفتار چهارم: قلب سکه و رفتارهای مجرمانه مرتبط
۱۴۴	..... مبحث دوم: جرایم مرتبط با نظام تولید و توزیع
۱۴۵	..... گفتار یکم: اختلال در نظام تولید و توزیع
۱۴۷	..... گفتار دوم: نقض موازین قیمت کالا
۱۴۸	..... گفتار سوم: نقض مقررات توزیع کالا
۱۵۰	..... مبحث سوم: جرایم مرتبط با پرداخت مالیات
۱۵۲	..... گفتار یکم: فرار متقلبانه از پرداخت مالیات
۱۵۴	..... گفتار دوم: رفتارهای غیر قانونی دریافت کنندگان مالیات
۱۵۵	..... مبحث چهارم: جرایم مرتبط با نظام صنفی
۱۵۶	..... گفتار یکم: گران فروشی
۱۵۸	..... گفتار دوم: احتکار
۱۶۰	..... گفتار سوم: کم فروشی
۱۶۱	..... گفتار چهارم: اقدامات متقلبانه و مزورانه
۱۶۲	..... گفتار پنجم: عرضه یا فروش ناروا
۱۶۴	..... مبحث پنجم: جرائم مرتبط با قاچاق

۱۶۶	گفتار یکم: قاچاق کالا
۱۶۹	گفتار دوم: قاچاق اموال فرهنگی - تاریخی
۱۷۰	گفتار سوم: قاچاق مواد مخدر و مشروبات الکی
۱۷۳	گفتار چهارم: قاچاق تسلیحات
۱۷۵	مبحث ششم: جرایم مرتبط با بورس اوراق بهادار
۱۷۶	گفتار یکم: نقض محرمانگی اطلاعات نهانی و اسرار بورس
۱۷۷	گفتار دوم: نقض عملکرد صحیح بازار بورس
۱۷۹	مبحث هفتم: جرایم مالی کارمندان دولتی
۱۸۰	گفتار یکم: ارتشا و اعمال نفوذ بر خلاف حق
۱۸۵	گفتار دوم: اختلاس و تصرف غیر قانونی
۱۸۷	گفتار سوم: رفتارهای غیر قانونی مرتبط با معاملات دولتی
۱۸۹	مبحث هشتم: پولشویی
۱۹۱	گفتار یکم: مفهوم پولشویی
۱۹۴	گفتار دوم: منابع و فرآیند پولشویی
۱۹۸	گفتار سوم: جرم انگاری پولشویی
۲۰۷	گفتار چهارم: پولشویی بر ضد امنیت اقتصادی
۲۱۳	مبحث نهم: دیگر رفتارهای مجرمانه خاص
۲۱۸	<b>بخش دوم: رویارویی با جرایم اقتصادی</b>
۲۲۱	فصل یکم: سیاستگذاری ماهوی در رویارویی با جرایم اقتصادی
۲۲۳	مبحث یکم: مبانی سیاستگذاری کیفری در حوزه اقتصاد
۲۲۸	گفتار یکم: امنیت دولت
۲۳۲	گفتار دوم: امنیت شهروندان
۲۳۴	مبحث دوم: منابع سیاست گذاری کیفری در حوزه اقتصاد
۲۳۶	گفتار یکم: نهادهای سیاست گذار
۲۳۷	بند یکم: نهاد رهبری
۲۴۰	بند دوم: مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۴۳	گفتار دوم: نهادهای قانون گذار
۲۴۳	بند یکم: مجلس شورای ملی
۲۴۵	بند دوم: مجلس شورای اسلامی
۲۴۷	بند سوم: شورای انقلاب
۲۴۸	گفتار سوم: نهادهای مقررہ گذار
۲۴۸	بند یکم: قوه مجریه
۲۵۱	بند دوم: قوه قضائیه
۲۵۱	بند سوم: نهادهای دیگر

۲۵۲	گفتار چهارم: سیاستگذاری بین المللی
۲۵۳	بند یکم: اسناد بین المللی
۲۵۳	بند دوم: اقدامات بین المللی
۲۵۶	مبحث سوم: کیفر جرایم اقتصادی
۲۵۸	گفتار یکم: تنوع کیفر
۲۶۰	گفتار دوم: شدت کیفر
۲۶۴	گفتار سوم: سرعت و قطعیت اجرای کیفر
۲۶۷	فصل دوم: سیاست پیشگیرانه در مقابله با جرایم اقتصادی
۲۶۹	مبحث یکم: امکان سنجی پیشگیری
۲۷۰	گفتار یکم: مفهوم سنجی
۲۷۳	گفتار دوم: آسیب شناسی
۲۷۷	گفتار سوم: ضرورت سنجی
۲۸۰	مبحث دوم: گونه های پیشگیری
۲۸۳	گفتار یکم: پیشگیری وضعی
۲۹۱	گفتار دوم: پیشگیری اجتماعی
۲۹۳	بند یکم: حکمرانی مطلوب
۲۹۹	بند دوم: تغییر نگرش دولت و شهروندان
۳۰۳	بند سوم: خصوصی سازی
۳۰۹	فصل سوم: سیاست جنایی شکلی در مقابله با جرایم اقتصادی
۳۰۹	مبحث یکم: رسیدگی غیر قضایی
۳۱۰	گفتار یکم: رسیدگی به اعتبار مقام
۳۱۲	گفتار دوم: رسیدگی به اعتبار نهاد
۳۱۷	مبحث دوم: رسیدگی قضایی
۳۱۸	گفتار یکم: حاکمیت اصول رسیدگی افتراقی
۳۱۸	بند یکم: مشروط بودن اصل برائت
۳۱۹	بند دوم: الزامی بودن اعلام جرم
۳۲۰	بند سوم: الزام به انتشار اسامی محکومان
۳۲۲	بند چهارم: حمایت از شهود
۳۲۳	بند پنجم: حاکمیت دادرسی سودانگاران
۳۲۴	گفتار دوم: فرآیند رسیدگی کیفری
۳۲۵	بند یکم: تعقیب دو گانه
۳۲۹	بند دوم: دادرسی چند گانه
۳۳۴	بند سوم: تجدیدنظر خواهی
۳۳۶	مبحث سوم: اعمال ضمانت اجراها



۳۳۸	گفتار یکم: ضمانت اجراهای کیفری
۳۳۸	بند یکم: مجازات های اصلی
۳۴۰	بند دوم: مجازات های تميمی
۳۴۰	بند سوم: مجازات های تبعی
۳۴۱	گفتار دوم: ضمانت اجراهای انضباطی و اداری
۳۴۲	گفتار سوم: ضمانت اجراهای دیگر
۳۴۴	مبحث چهارم: همکاری های بین المللی
۳۴۴	گفتار یکم: همکاری های دو جانبه
۳۴۵	گفتار دوم: همکاری های منطقه ای
۳۴۶	گفتار سوم: همکاری های جهانی
۳۵۴	نتایج و پیشنهادات
۳۵۶	یکم: سیاست جنایی خاموش
۳۵۷	الف: فراقانونی گری
۳۵۹	ب: رانت
۳۶۰	ج: ناهنجاری های بودجه ای
۳۶۵	د: بخشش ها و حیف و میل دولت
۳۶۷	دوم: سیاست جنایی مبهم
۳۶۷	الف: ابهام در مفهوم و مصداق
۳۶۸	ب: سیاست زدگی
۳۷۰	ج: بی روشی در قانون نویسی
۳۷۱	سوم: سیاست جنایی مردد
۳۷۱	الف: نمادین گری
۳۷۴	ب: کم کیفری
۳۷۵	ج: بی کیفری
۳۷۸	پیوست ها
۳۷۸	پیوست یک: فرمان هشت بندی مقام رهبری درباره مبارزه با مفاصد اقتصادی
۳۸۰	پیوست دو: چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی
۳۸۵	پیوست سه: برنامه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد
۳۹۵	پیوست چهار: شاخص فساد ایران در میان کشورهای جهان
۳۹۹	پیوست پنج: دستور العمل تشکیل مجتمع امور اقتصادی مصوب مرداد ۱۳۸۱
۴۰۲	پیوست شش: دستور العمل صلاحیت و نحوه رسیدگی به پرونده های اقتصادی مصوب اردیبهشت ۱۳۸۸
۴۰۴	پیوست هفت: فصل سوم کنواسیون مبارزه با فساد (جرایم، مجازاتها و مقررات مرتبط)
۴۱۶	فهرست منابع و مآخذ

## مقدمه

چالش بنیادین جرایم اقتصادی در حقوق کیفری حول سه محور می‌چرخد: نقش اقتصاد در جهت دهی به قانونگذاری کیفری، نقش سیاست در معرفی و توسعه جرایم اقتصادی و نقش حقوق کیفری در حمایت از اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی. به این ترتیب ظاهر عنوان "جرایم اقتصادی" نشان ساده‌ای از یک دسته از رفتارهای قابل کیفر در حوزه اقتصاد نیست، بلکه این تعبیر نقطه‌ی تلاقی سه حوزه اقتصاد، حقوق کیفری و سیاست است. در نگاه نخست، پیش‌کشیدن حوزه سیاست در بررسی جرایم اقتصادی، قدری تعجب برانگیز است ولی در ادامه خواهیم دید که در معرفی و توسعه واژه جرایم اقتصادی یا تعبیر شبیه آن، سیاست دولتها تأثیرات بسیاری بر روی قانونگذاری کیفری داشته است.

نقش اقتصاد در جهت‌دهی به قانونگذاری کیفری از حس طبیعی و غریزی انسان به تولید و انباشت سرمایه حکایت دارد. اقتصاد از زمان گذشته در پی نشان دادن راه درست تولید و توزیع و مصرف کالا و نحوه مدیریت آنها بوده است و این خود در مراحل حقوق کیفری را به سمت و سوی بهره‌گرایی و سودطلبی برده است. در پی سنجش‌های اقتصادی بود که حقوق کیفری از پوسته انتقام‌جویی درآمد و داعیه خشک عدالت مطلقه را به فراموشی سپرد. در بررسی‌های اقتصادی، تلاش گردید تا از بسیاری از رفتارهایی که سرزنش اجتماعی نداشته ولی هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری را بالا می‌برد، جرم‌زدایی شود. با این حال حقوق کیفری چشم و گوش بسته از اقتصاد پیروی نکرد و نمونه برجسته آن حفظ کیفر زندان بود؛ کیفری که هیچ سودی برای اقتصاد جامعه نداشت ولی به موازات همین کیفر از سوی دیگر جزای نقدی و خدمات عام‌المنفعه روز به روز پررنگ‌تر شد.

درباره پشتیبانی حقوق کیفری از حوزه اقتصاد، همین بس که بدانیم جرم به طور مستقیم با حس مال‌اندوزی و رفاه‌طلبی بشر پیوند داشته است. علت این نکته این است که دورنمای رفاه و ثروت، همواره برخی کسان را در مسیری میان‌بر به تحریک و امی داشت که این مسیر با گزاره‌ها و موازین حاکم بر جامعه همخوانی نداشت. برای برخورد با شکنندگان مقررات و هنجارهای اقتصادی، حقوق کیفری برجسته‌ترین و تنهاترین حربه مقابله محسوب می‌شد ولی با پیشرفت صنعتی و خدماتی بشر در قرن‌های اخیر، مشخص گردید که فعالیت‌های نامشروع اقتصادی به سه ویژگی متصف شدند که بر اساس آنها دیگر نمی‌توان حقوق کیفری را تنها وسیله حمایت از حوزه اقتصاد دانست:

نخست اینکه پیشرفت و تکامل ظاهری زندگی بشر بیشتر در گرو پیشرفت اقتصاد بوده است و همین امر به ویژه اگر در قالب رقابت سنگین و نزدیک کشورها در پیمودن راه توسعه گذاشته شود، مشخص می‌گردد که روابط اقتصادی به چه میزان گسترده، متنوع و پیچیده شده است. در چنین فضای سیال و پیچیده‌ای، حقوق کیفری به تنهایی نمی‌تواند همگام با قافله توسعه طلبی کشورها حرکت کند.

دوم اینکه چهره فراملی فعالیت های اقتصادی که به ویژه با ظهور شرکت های چندملیتی سبب گردید تا پنداشته شود، اقتصاد، یک فرهنگ یا تمدن نیست که به ملت یا مکان خاصی وابسته باشد. اقتصاد برآورنده نیازهای مشترک انسان هاست، بنابراین تعیین مرزهای سرزمینی هیچگاه توانسته فعالیت های اقتصادی را به بند بکشد و به همین دلیل نوآورهای صنعتی و فناوری ها به سرعت انتقال می یابد یا تکمیل می گردد. اساساً باید گفت که ایده جهانی شدن در حوزه اقتصاد مطرح گردیده و به دیگر حوزه ها راه یافته است. در وضعیتی که اقتصاد داعیه جهانی شدن دارد و حقوق کیفری هنوز در تار و پود اصل سرزمینی بودن مقررات کیفری گرفتار است، چگونه می توان از آن انتظار داشت تا به هنجارشکنی های حوزه اقتصاد لگام بزند.

سوم اینکه چهره دولتی فعالیت های اقتصادی که هرچند اقتصاد به سمت و سوی خصوصی شدن می رود ولی دولتمردان رابطه خود را با این حوزه همچنان محکم کرده اند. در کشورهایی که دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی زیاد است، نقش دولتمردان نیز بیشتر است ولی از حیث نفوذ و مداخلات غیر قانونی دولتمردان در فعالیت های اقتصادی، در نهایت فرقی میان کشورهایی دارای اقتصاد خصوصی با کشورهای دارای اقتصاد دولتی نیست؛ زیرا بخش بزرگی از بزهکاران اقتصادی که همین دولتمردان یا اشخاص وابسته یا مورد حمایت آنهاست، در راستای فعالیت های نامشروع خود در عرصه اقتصاد، قدرت زیادی دارند و توانایی اینکه قوه قانونگذاری، سیستم اجرایی و نظام قضایی را تحت تاثیر قرار دهند، دارا هستند. تصویب قوانین ناقص یا عدم تصویب قانون در باب برخی هنجارشکنی های اقتصادی، یا در صورت تصویب، نفوذ بر فرایند قضایی یا اجرایی برخورد با جرایم اقتصادی، سبب گشته تا حقوق کیفری نیز در پشتیبانی از اقتصاد به یک وسیله مقطعی و سلیقه ای تبدیل گردد، این است که در ارتباط با جرایم اقتصادی، حقوق کیفری با خود مواجه می شود و بزهکاران را کسانی می داند که خود قانون را پدید آورده اند؛ یعنی نسبت به قوانین مالی، بزهکاران کلان عمده تاً کسانی هستند که در پس پرده قانونگذاری نشسته اند یا بر آن تاثیر می گذارند.

درباره تاثیر سیاست بر اقتصاد نیز باید به پیوند این دو در اندیشه های مارکسیستی اندیشید. فعالیت های اقتصادی تفکر اقتصاد زیربنایی که بنای آن را مارکس نهاده بود، آنقدر قابل توجه و تاثیر گذار بود که اثرات آن را هم از جهت امنیتی و هم از حیث حقوقی که هر دو در جرایم اقتصادی وجه اشتراک دارند، می توان مشاهده کرد. از حیث امنیتی، اقتصاد و حتی مفاسد اقتصادی در دوران جنگ سرد که همه زمینه ها، جزء زمینه های اقتصادی مهیای جنگ بین دو ابرقدرت بود، یک تنه مانع منازعه جهانی بود. "ودکا کولا" دو نوشیدنی یکی از شوروی و دیگری از ایالات متحده استعاره از بازدارندگی اقتصاد و جرایم اقتصادی از وقوع جنگ بین این دو ابرقدرت بود که توسط شرکت های چند ملیتی که

توسعه دهندگان قهار فساد در جهان بودند تجلی یافته بود.<sup>۱</sup> کمبود منابع اقتصادی اگر دیر زمانی آتش جنگ را بین دولت‌ها شعله‌ور می‌ساخت در سال‌های اخیر به معجزه‌ای تبدیل شده است که ساحران آن، شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و دولت‌های نو اندیش هستند که با توسل به اقتصاد در پی تقویت امنیت ملی و در جستجوی صلح پایدار هستند حتی اگر مسیر خود را در جهتی قرار دهند که متضمن دست یازیدن به مفاسد اقتصادی نظیر پولشویی (نظیر آنچه در سوئیس دیده می‌شود) باشد.

از حیث حقوقی و به ویژه حقوق کیفری، زمانی توجه به جرایم اقتصادی معطوف گردید که عملاً فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های چند ملیتی، اشخاص حقوقی و حقیقی و حتی دولتها تأثیر خود را در شیوع مفاسد اقتصادی در کل دنیا گذارده بودند. به این ترتیب اواخر سده گذشته و ابتدای سده بیست و یکم، با نام دورانی از ارتباط جرایم مجموعه‌ای و سازمان‌یافته به نام جرایم اقتصادی و فساد، قاچاق کالا، مواد مخدر و انسان و اقدامات تروریستی برجسته شد که به تبع آن نخستین و مهمترین سیاست اکثر دولتها مقابله با پدید آوردندگان این پدیده‌های مجرمانه شد که عملاً تبدیل به بازیگران بین‌المللی در عرض دولتها شده بودند؛ بازیگرانی که از نظر خود مشروع و از نظر دولتها و سازمان‌های بین‌المللی نامشروع تلقی می‌شدند.

احساس واهمه دولتها از جرایم اقتصادی به ویژه در جاییکه با اقداماتی نظیر پولشویی یا اقدامات تروریستی ارتباط برقرار می‌کند، باعث گردید تا قبل از آنکه نظام تقنینی و قضایی در معرفی جرایم اقتصادی و تعیین محدوده آن بکوشد، دولتها با سیاست‌های از پیش تعیین شده نسبت به آن، رویکرد سیاسی اتخاذ کرده و سعی در مقابله همه جانبه با آن داشته باشند و این امر خود باعث ابهام در مفهوم و گستره جرایم اقتصادی گردید و دخالت قوه مجریه در اقدامات تقنینی و قضایی را موجب شد که نظیر آن در سیاست‌های ضد فساد دولت نهم دیده شد. علی‌رغم تلاش این دولت در مبارزه با مفاسد اقتصادی که خود از موجبات اصلی اجرای عدالت تلقی می‌شود، اما الحاح در اجرای این سیاست بدون هماهنگی دقیق با نهادهای تقنینی و قضایی، رویکرد مناسب در برخورد با جرایم اقتصادی که همانا رویکرد قضایی - امنیتی است را صرفاً تبدیل به رویکرد سیاسی - امنیتی می‌کند که نتیجه‌ای جز پرونده سازی، اتهام‌گرایی و بهره‌گیری سیاسی نداشته است.

بر خلاف آنچه که سیاست مداران و دولتمردان می‌پندارند، پیکار با جرایم اقتصادی نه جار و جنجال می‌خواهد و نه بوق و کرنا و آنچه بتوان در بستر آن جرایم اقتصادی را از میان برداشت، دولت قانونمند، کارآمد و شفاف است تا موجب امنیت اقتصادی گردد. بدیهی است که ناامنی اقتصادی، چهره خدشه دار امنیت اقتصادی است. پس پیش از هر چیز باید ارزش را شناخت و پس از آن به دنبال

۱- ر. ک لوونسن، شارل؛ ودکا کولا: اسراری از روابط پنهانی شرکت‌های چند ملیتی و دول غربی با

بلوک شرق، برگردان غلامعلی سیار، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، ص ۴۶۳

شناخت ضد ارزش برآمد. در اینجا آنچه ارزش و باعث کمال و پیشرفت اقتصادی یک جامعه است، امنیت اقتصادی و آنچه بستر جرایم اقتصادی، فقر، تبعیض و بی برنامه‌گی را فراهم می‌سازد، ناامنی اقتصادی است.

از زندگی فردی گرفته تا زندگی اجتماعی و جهانی، رفاه، عنصر بسیار مهم، حیات بخش و ادامه دهنده بوده است و آینه تاریخ نشان می‌دهد که پیشرفت و سلامت تمدن‌ها به چه میزان وابسته به اقتصاد بوده است. اهمیت اقتصاد و درک توسعه اقتصادی به عنوان کلید سعادت یک ملت، سابقه طولانی داشته چنانکه به نقل از «اومستد» در میان پادشاهان باستانی کمتر فرمانروایی یافته می‌شود که مانند داریوش دریافته باشد که کامیابی یک ملت باید بر بنیاد اقتصادی سالم گذاشته شود.<sup>۱</sup> و «از زمان ارسطو در قرن چهارم پیش از میلاد، همواره استدلال شده است که فقط در جامعه‌ای مرفه و ثروتمند که در آن افرادی به نسبت اندک در فقر زندگی کنند، توده مردم می‌توانند بی‌آنکه تحت تاثیر عوام‌فریبان فاقد مسوولیت قرار گیرند، به شکلی آگاهانه در امور سیاسی خویش مشارکت ورزند.»<sup>۲</sup>

امنیت اقتصادی یکی از بخش‌های امنیت ملی و به حوزه‌ای از امنیت گفته می‌شود که برای تامین آن ساز و کارهای مناسب، برای رشد و توسعه اقتصادی از یک سو و مقابله با تهدیدات علیه اقتصاد از سوی دیگر اتخاذ می‌شود. بنابراین امنیت اقتصادی مبتنی بر دو جنبه مثبت و منفی است: جنبه مثبت، توسعه اقتصادی و جنبه منفی، تهدیدات اقتصادی که با توجه به اینکه اقتصاد هم از جانب دولت تضعیف می‌شود و هم از جانب افراد، جرایم اقتصادی در طول تهدیدات قرار گرفته و اخص از آن است.

ارتباط اقتصاد با پیشرفت هر ملت باعث گردیده تا تامین حقوق اقتصادی به عنوان قسمتی از حقوق بشر در ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر مورد تاکید قرار بگیرد. در اولین ماده قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی توسعه اقتصادی مصوب ۱۳۴۷ به کلیه ملل، حق خود مختاری اعطا شده تا به موجب حق مزبور، ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تامین می‌کنند. در بند ۲ ماده ۶ میثاق نیز به تهیه لوازم توسعه مداوم اقتصادی منوط به اینکه آزادی‌های اقتصادی افراد را نیز حفظ کند، تاکید شده است. جدا از اسناد جهانی فوق، قانون اساسی ایران و قوانین عادی که مشهورترین آنها قوانین پنج سالانه مربوط به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، یا تصمیمات و سیاست‌های کلان مانند سند

۱- کوهستانی، امین رضا؛ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر در دوران هخامنشی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۲۲، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۶، ص ۱۳۴

۲- لیست، سیمور مارتین؛ دایره‌المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی و دیگران، جلد ۱، چاپ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۴۹۹

چشم‌انداز همگی بر اهمیت توسعه اقتصادی تاکید دارند و هرچند در نظام جمهوری اسلامی ایران که نظامی مبتنی بر اعتقاد به اصول بنیادین دینی است، اقتصاد زیربنا نیست و همچنانکه در مقدمه قانون اساسی آمده "اقتصاد وسیله است نه هدف"، اما تجربه‌های سالهای پس از انقلاب نشان داد که مهمترین شیوه برای تقویت انقلاب و نظام، ساماندهی یک اقتصاد سالم و پویا است و بی‌دلیل نیست اگر ادعا شود که سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام حول محور امنیت اقتصادی می‌چرخد.

فصل چهارم قانون اساسی درباره اقتصاد و امور مالی است که در مفهوم بسیار گسترده ذکر شده، چنانکه طبق اصل ۴۳ استواری اقتصاد با ضوابط زیر به دست می‌آید:

« ۱- تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کار هستند ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹- تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهانند.

طبق اصل ۴۴ که مبنای فعلی برای خصوصی‌سازی و یکی از راهکاری مهم برای مبارزه با فساد به شمار می‌رود، نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است: بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی،

معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکتهای و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در آفاق ۱۴۰۴ هجری شمسی اهمیت اقتصاد قانونی و سالم در رساندن ایران به پیشرفت، بیشتر متبلور شده که در همان صدر این سند می توان بدان پی برد. در صدر سند چشم انداز آمده که: « با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل.» (پیوست دو)

اولین قسمت از سیاست های کلی نظام که بر اساس درخواست و ابلاغ رهبری با توجه اصل ۱۱۰ قانون اساسی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش بینی شده، اختصاص به سیاست های کلی امنیت اقتصادی دارد که این سیاست ها عبارتند از:

- ۱- حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه گذاری و کارآفرینی از راه های قانونی و مشروع.
- ۲- هدف از امنیت سرمایه گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است.
- ۳- قوانین و سیاست های اجرائی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند.
- ۴- نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرائم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن و تخصصی باشد.
- ۵- شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

سیاست های کلی نظام در مورد تامین امنیت اقتصادی غیر از فرمان هشت بندی مقام رهبری به روسای قوای سه گانه است که در این فرمان مسوولان عالی نظام مکلف به رسیدگی دقیق و سریع به مفاسد اقتصادی شده اند. اکثر مصوبات یا فرامین فوق که با عباراتی کلی و قابل تفسیر بیان شده و عنوان قانون نیز یدک نمی کشند، ناشی از خلاء یک قانون جامع و دقیق در مبارزه با جرایم اقتصادی است.

بر مقررات فوق که حکم مقررات بنیادین و راهنما را دارند باید قوانین عادی و به ویژه قوانین پنج سالانه توسعه را نیز افزود. بخش اول قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ در مورد رشد اقتصاد ملی دانائی محور در تعامل با اقتصاد جهانی است که مقررات مفصلی ذیل عناوین "بستر سازی برای رشد سریع اقتصادی"، "تعامل فعال با اقتصاد جهانی"، "رقابت پذیری اقتصادی" و "توسعه مبتنی بر دانائی" آورده است.

توسعه اقتصادی، مبتنی بر وضع قوانین مناسب و اجرای آنهاست و مقررات موجود در ایران حکایت از کفایت مقررات مربوط به اقتصاد (در مقام وضع و نه در مقام اجرا) است، چه هنوز هیچیک از مقررات پیش گفته به مرحله اجرای کامل نرسیده تا صحبت از توسعه اقتصادی کرد. توسعه اقتصادی مهمترین عامل امنیت اقتصادی است و طبعاً امنیت اقتصادی نیز شاه کلید امنیت ملی در جوامع دموکراسی است. بی دلیل نیست که اقتصاد را مهمترین شاخص تعیین امنیت مردم و دولت در طول تاریخ دانسته اند، چنانکه ارسطو معتقد بود: « فقط در جامعه ای مرفه و ثروتمند که در آن افرادی به نسبت اندک در فقر زندگی کنند توده مردم می توانند بی آنکه تحت تاثیر عوامفریبان فاقد مسوولیت قرار گیرند، به شکلی آگاهانه در امور سیاسی خویش مشارکت ورزند. در جامعه ای که به توده های عظیم فقیر و معدودی خواص مرفه تقسیم شود یا الیگارشسی؛ یعنی حکومت دیکتاتوری تنی چند، ظهور خواهد کرد یا جباریت یعنی دیکتاتوری مبتنی بر عوام الناس.<sup>۱</sup>

امروزه امنیت اقتصادی مهمترین بخش و عنصر برای تقویت امنیت ملی است. در کشورهای دارای اقتصاد قوی می توان قوت امنیت داخلی و خارجی را نیز دید؛ هرچند همواره امنیت و پیشرفت اقتصادی، تقویت بخش های دیگر را به همراه ندارد؛ برای نمونه، امنیت اقتصادی ضعیف در ایران و کره شمالی همراه با امنیت نظامی درخور توجه این دو کشور است. گاهی نیز پیوند امنیت اقتصادی با امنیت ملی عکس می گردد؛ چندانکه در بعضی کشورها برای دفاع از امنیت اقتصادی باید از امنیت ملی به ویژه امنیت نظامی بهره برد. به گفته هوبسبان، « در دنیای جهانی شده، استیلای فرهنگی آمریکا کمتر به معنی استیلای اقتصادی آن است. ایالات متحده سوپر مارکت را ابداع کرد، اما این گروه فرانسوی کارفور است که بازارهای چین و آمریکای لاتین را تسخیر می کند. این فرق اساسی با بریتانیا

۱- لیست، سیمور مارتین؛ **دایره المعارف دموکراسی**، ترجمه کامران فانی و دیگران، جلد اول، چاپ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۴۹۹



که اولین و بزرگترین صادر کننده سرمایه به حوزه‌های تحت نفوذش است، منجر به آن می شود که ایالات متحده باید همیشه از قدرت نظامی برای حمایت از اقتصادش استفاده کند.<sup>۱</sup>

ناامنی اقتصادی، هم ناشی از شرایط و دگرگونی‌های بیرونی است و هم برخاسته از تحولات و زمینه‌های درونی. بنابراین می توان گفت که ناامنی اقتصادی اعم از چهره بیرونی و جنبه داخلی اش، ناشی از تهدیدات در معنای عام است که جرم اقتصادی یکی از آنهاست. برخی از تهدیدات برجسته، اقدامات دولت است که عموماً جزء با تعبیر "سیاست‌های غلط" نمی توان عنوان نکوهش پذیرتری بر آنها گذاشت و برخی تهدیدات، اقدامات افراد است که متضمن نقض قوانین و مقررات حامی اقتصاد است که در اینجا اگر نقض قانون متضمن تعیین ضمانت اجرای کیفری برای مرتکب شود، جرایم اقتصادی مطرح می گردد.

نسبت به تهدیدات اقتصادی پیش از هر چیز باید اذعان کرد که مهمترین تهدید، خود دولت است و هرچند در معنای عام، امنیت اقتصادی بخشی از امنیت ملی (امنیت دولت و ملت) تلقی می گردد اما نحوه مدیریت منابع و نظام عرضه و تقاضا و سود دهی که از جانب دولت صورت می گیرد یا نظارت می شود، میزان امنیت اقتصادی را نیز مشخص می سازد. هر قدر دولت اقتصاد را در انحصار داشته باشد، آسیب های وارده به نظام اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود. مشهورترین تهدید علیه اقتصاد، رانت است که ارتباط تنگاتنگی با فساد دارد تا حدی که کروکر اقتصاد دان فساد را از اشکال رانت جویی دانسته و تانزی معتقد است مشکل بتوان خط فارقی بین رانت جویی و فساد کشید.<sup>۲</sup> با وجود اینکه در جامعه سرزنش پذیری رانت، کمتر از جرایم اقتصادی نیست؛ نه در قانون و نه در زبان حقوقی همچون یک جرم دانسته نمی شود.

عوامل فرعی که مرتکبین رفتارهای مغایر با قانون یا مجرمین اقتصادی هستند و البته سیاست مشدد دولتها در مبارزه با مفسدین اقتصادی بی ارتباط با این دلیل نیست که قسمتی از تهدیدات و ناکامی های اقتصادی را که خود مسبب آن بوده اند از طریق متهم سازی دیگران، سرپوش گذارند.<sup>۳</sup> میزان رفتارهای غیر قانونی عوامل فرعی اعم از کارمندان دولت و افراد عادی به اندازه ای چشمگیر است که «بانک جهانی تخمین می زند که سالیانه مبلغ ۱ تریلیون دلار آمریکا در سراسر جهان رشوه پرداخت می شود. باید به این رقم، مبلغ نامعلومی را که صرف تاراج ذخیره ملی و سرقت از دارایی های ملی توسط

---

۱- هوبسبان، اریک؛ **افول امپراتوری ها**، ترجمه وحید حسن زاده و دیگران، ماهنامه سیاحت غرب، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، سال ششم، شماره ۶۸، اسفند ۱۳۸۷، ص ۱۴

۲- خضری، محمد؛ **اقتصاد رانت جویی**، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی، چاپ اول، سال ۱۳۸۴، ص ۹۳ به

بعد

۳- همان

مسوولان فاسد می‌شود نیز افزود؛ برای مثال عقیده بر این است که موگو توسه‌سه‌سه‌سه کو رئیس جمهوری وقت زئیر (که اینک جمهوری دموکراتیک کنگو نامیده می‌شود) و آباکا رئیس جمهوری نیجریه، هر یک حدود ۵ میلیارد دلار از سرمایه‌های کشورشان را به یغما برده‌اند. سپس به این مبلغ باید رقم ۱/۵ تریلیون دلار آمریکا و حجم غیر قابل محاسبه‌ای از کلاهبرداری‌های بخش خصوصی را نیز افزود. میزان فساد در مقیاس خرد به نحو چشمگیری در نوسان است، به طوری که حتی محاسبه آن نیز دشوارتر می‌باشد. معلوم است که به طور کلی مقیاس فساد خیلی گسترده است.<sup>۱</sup>

از دید حقوق کیفری که به دنبال معرفی رفتارهای قابل کیفر در حوزه اقتصاد و تعقیب آنهاست، تنها می‌توان به بخشی از ناامنی اقتصادی که متأثر از جرایم اقتصادی است، پرداخت. در برخی کشورها برای بررسی دقیق‌تر و کارشناسانه‌تر جرایم قابل ارتکاب در حوزه اقتصاد که از آنها به جرایم اقتصادی نیز یاد می‌گردد، رشته‌ای به نام حقوق کیفری اقتصادی تاسیس کرده‌اند که هم به مباحث ماهوی و شکلی و هم به مباحث علت‌شناختی و پیشگیری آنها می‌پردازد. البته حقوق کیفری اقتصادی نیز همانند خود جرایم اقتصادی با مشکل تعریف، شناخت محدوده و مصداق مواجه است، چندانکه برخی حقوق کیفری اقتصادی را از دید حقوق تجارت نگریسته و دو عنوان حقوق کیفری اقتصادی و حقوق کیفری تجاری را یکی پنداشته‌اند.<sup>۲</sup>

با تمهید زمینه بررسی جرایم اقتصادی که مجموعه‌ای از تهدیدات نسبت به امنیت اقتصادی است، به اجزای مقدمه تحقیق به شرح زیر پرداخته می‌شود:

## ۱- شناخت مساله

مساله یا چالش جرایم اقتصادی در سه وجه مفهومی، مصداقی و پیامدی است. در وجه مفهومی، جرایم اقتصادی از زمانی که به طور جدی در حقوق کیفری و جرم‌شناسی مطرح گردیده است، هیچگاه به طور روشن تعریف نشده‌اند و اساساً جرایم اقتصادی از حیث تعریف بسیار چالش‌پذیر هستند. این نکته که جرایم اقتصادی به طور مشخص ناظر به چه جرایمی است و با چه معیاری مشخص می‌گردند، همواره جای بحث داشته است و از همه مهمتر اینکه جرم اقتصادی از سوی دست‌اندرکاران چه حوزه‌ای مطرح شده است؛ اقتصاد، سیاست، حقوق کیفری یا جرم‌شناسی.

در عالم اقتصاد و سیاست، عنوان جرایم اقتصادی به طوری که مد نظر حقوقین و جرم‌شناسان است، کاربرد ندارد. در این دو حوزه، دست‌اندرکاران و صاحبان آن از واژگان متنوعی مانند مفاسد، رانت،

---

۱- گروه احزاب یکپارچه پارلمان بریتانیا ویژه مسائل آفریقا، آن روی سکه: بریتانیا و فساد در آفریقا، ترجمه

حسن مرادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۳

۲- اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت: کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، انتشارات

سمت، چاپ ششم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۵۳

فساد، ناهنجاری، بی ثباتی و مانند آن استفاده می کنند که لزوماً به معنای جرایم اقتصادی نیست. حتی در جرم شناسی نیز واژه جرم اقتصادی که به کار می رود با آنچه در حقوق کیفری استعمال می شود، یکی نیست. پس از تولد جرم شناسی، جرم شناسان با تاثیرپذیری از رشته های دیگر، عملاً در نامگذاری برخی رفتارهای ناهنجار پیشقدم شدند بدون آنکه ملتمز به این باشند که آیا طبق اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، آن رفتار به واقع از سوی حقوق کیفری مطرح شده بود یا خیر.

تعابیری مانند جرایم خیابانی، جرایم حاشیه ای، جرایم سازمان یافته، فساد و جرایم یقه سفید و از همه مهمتر جرایم اقتصادی ابتدا سر از جرم شناسی درآورد و سپس به حقوق کیفری راه یافت. از آنجا که این عناوین بیشتر بر مبنای عامل و مکان جرم شناخته می شوند تا رفتار مجرمانه، عمدتاً با هم تداخل دارند و به طور دقیق تفکیک نشده است که چه جرمی در زیر کدام دسته قرار می گیرد. در حالیکه تا پیش از نیمه دوم قرن بیستم، این جرم شناسی بود که از حقوق کیفری پیروی می کرد و رفتارهایی را بررسی می کرد که حقوق کیفری قبلاً آنها را بررسی کرده بود. در این بستر به همان آسانی که می توان در جرم شناسی، جرایم اقتصادی را بررسی کرد ولی در حقوق کیفری نمی توان به طور دقیق و مشخص، جرایم اقتصادی را از دیگر جرایم یا دسته های جرایم تفکیک کرد.

در اینجا این بحث پیش می آید که آیا در بررسی عناوین مجرمانه جرم شناسی باید از حقوق کیفری تبعیت کند یا حقوق کیفری از جرم شناسی. در کشورهای غربی که جرم شناسی مستقل گردیده و روش بحث جداگانه ای دارد، کمتر در قید و بند حقوق کیفری است و هرچند این دو بر هم تاثیرگذارند ولی در حقوق کیفری لزوماً همان اصطلاحات به کار رفته در جرم شناسی پذیرفته نمی شود. تعابیری مانند آنومی، انحراف، جرم یقه سفید یا یقه آبی و مانند آن در حقوق کیفری و به تبع آن در نظام عدالت کیفری، کاربرد کمتری دارد. اما در کشورهایی مانند ایران که جرم شناسی، استقلال نیافته و کاملاً وابسته به حقوق کیفری است و از طرف دیگر حقوق کیفری نیز بر پایه قانون کیفری قرار دارد؛ نمی توان همان روش به کار رفته در جرم شناسی و حقوق کیفری غربی را پیاده کرد. در ایران تا پیش از رشد قابل توجه جرم شناسی، این رشته باید از حقوق کیفری تبعیت کند و واژگانی را به کار ببرد و تحلیل نماید که قبلاً در حقوق کیفری بررسی شده اند. ضمن اینکه جرم شناسی به دلیل چهارراهی بودن، عمدتاً در حال قرض اصطلاحات واژگان و معانی به کار رفته در رشته دیگر است و اگر از حقوق کیفری فاصله بگیرد؛ اساساً با این چالش مواجه است که با وجود علمی مانند جامعه شناسی و روان شناسی چه نیازی به جرم شناسی است؛ در حالی که اگر جرم شناسی در اصل تابع حقوق کیفری گردد، مکمل همدیگر شده و بر خلاف دیگر رشته ها به طور خاص به جرم می پردازند.

به هر حال، جرایم اقتصادی، بیشتر یک واژه وارداتی از کشورهای غربی است تا اینکه در حقوق کیفری ایران جایگاه مشخص داشته باشد. بنابراین مفهوم جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران

مشخص نیست و چون در جرم شناسی نیز طرح مباحث مربوطه، به تقلید از جرم شناسی غربی بوده است تا حقوق کیفری ایران، می‌توان گفت در جرم شناسی ایران نیز مفهوم جرایم اقتصادی جای بحث زیادی دارد.

در مورد وجه مصداقی جرایم اقتصادی نیز مباحث فوق الذکر قابل تکرار است. اینکه چه رفتارهایی را می‌توان جرم اقتصادی دانست؛ نیاز به یک معیار قانونی یا حداقل یک معیار شناخته شده دارد و چون این معیارهای ارایه شده، همگی از باب غلبگی بوده است، قابل اطمینان نیستند. ابهام مصداقی جرایم اقتصادی دل در گرو ابهام مفهوم آن دارد و از همین مجرا نه تنها نمی‌توان مصداق‌ها را به درستی و به طور کامل بیان کرد، بلکه نمی‌توان گفت که جرایم اقتصادی چه ارتباطی با عناوین مشابه مانند جرایم مالی، جرایم تجاری، جرایم سازمان یافته و فساد دارند. هرچند با وجود سکوت قانون نمی‌توان به طور قطعی سخن از مفهوم و مصداق گفت ولی با طرح این مساله، در این تحقیق برخی موضوعات مطرح خواهند شد تا سیمای روشن تری از جرایم اقتصادی ارایه گردد و البته این خود مسیری برای قانونگذاری آینده در زمینه جرایم اقتصادی خواهد بود.

وجه پیامدی در قبال جرایم اقتصادی بیش از هر چیز دیگر، چالش برانگیزتر است. جرایم اقتصادی بیشترین اثر را در مخدوش کردن سلامت اقتصادی، اداری و تجاری جامعه دارند. از آنجا که مرتکبین این جرایم دارای کیاست، قدرت و ثروت هستند؛ به راحتی کشف نمی‌شوند یا با وجود کشف به راحتی تعقیب و محاکمه نمی‌گردند؛ از این رو پیامدهای بسیار خطرناکی دارد که هرچند نرم و غیر خشن است ولی اثرات نامطلوب بر کل جامعه دارد. چالش پیامدهای هنگفت جرایم اقتصادی، خود چالش‌های دیگری را پیش می‌کشد که مرتبط با نحوه پیشگیری از این جرایم و نیز تعقیب متهمان است. در واقع در جرایم اقتصادی، طرح‌های امنیتی به شکلی که برای جرایم خیابانی و خشن جواب می‌دهد در قبال جرایم اقتصادی پاسخگو نیست و تدابیر پیشگیری وضعی و اجتماعی اثر چندانی ندارند و به دلیل ارتباط پلیس با نهادها و گروه‌های فساد چه بسا تدابیر و طرح‌های مرتبط با پیشگیری از جرایم اقتصادی با دخالت خود مرتکبین صورت می‌گیرد.

فرآیند پیگیری جرایم اقتصادی و محاکمه مرتکبین، تعدد مراجع تعقیب و تاسیس نهادهای گوناگون و پیش بینی تدابیر شکلی افتراقی، همگی نشان می‌دهد که رسیدگی به جرایم اقتصادی هیچگاه به طور مطلوب به فرجام نمی‌رسد و تمام چالش‌های ماهوی و شکلی از یک سرچشمه نشات می‌گیرد و آن فساد دولت و حاکمیت است. اگر دولت یا حاکمیتی بر مبنای شاخص‌های فساد، فاسد باشد؛ باید اصل را بر این گذاشت که در این دولتها و حاکمیت‌ها، دولت، دولتمردان، کارمندان و شهروندان فاسدند و در روابط تجاری و اداری آنها قانون شکنی حاکم است مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد. با این حال برای دولتی که فساد اداری و جرایم اقتصادی در آن، مرتبط با نوع نظام سیاسی و فرهنگ اداری و